

ملاک اعتبار سنجی روایات شیعه (بررسی مبانی قدما و متأخرین)مهدی سبزواریان^۵جواد شعبانپور^۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۲۰

چکیده

میراث حدیثی شیعه به عنوان یکی از منابع اصلی استنباط معارف از جنبه اعتقادی، فقهی و اخلاقی مورد توجه حدیث پژوهان، فقها و رجالیان می‌باشد. مهمترین بحث در برخورد با احادیث، اعتبار سنجی آنها از نظر صدور یا عدم صدور از جانب معصومان می‌باشد. قدما اعتبار سنجی متفاوتی از متأخرین داشته‌اند. دیدگاه متأخرین از زمان مکتب حله شروع می‌شود و دایره‌ی اعتبار سنجی اش نسبت به دیدگاه قدما محدود تر است. در نگاه قدما سند حدیث ملاک اصلی اعتبار نمی‌باشد ولی در نگاه متأخرین ملاک اصلی اعتبار حدیث، سند می‌باشد. در این مقاله دیدگاه طرفداران هر حوزه را مورد بررسی و نقد قرار می‌دهیم.

کلیدواژگان: اعتبار، خبر، سند، شهرت، علم، ظن، قدما، متأخرین.

^۵ دانش آموخته سطح ۴ حوزه علمیه قم.

^۶ دانش آموخته سطح ۲ حوزه علمیه قم.

مقدمه

بی تردید بعد از قرآن کریم حدیث از جایگاه بسیار مهمی نزد شیعه و سنی برخوردار است. پس از برداشته شدن ممنوعیت جمع اوری احادیث، اصحاب ائمه معصومین هم انگیزه کافی برای جمع اوری احادیث داشتند. به طوری که از زمان باقرین علیهما السلام، مکتوب کردن احادیث در قالب اصل، بیشتر از دوران منع حدیث مورد توجه قرار گرفت. اگر چه قبل از آن نیز جمع آوری مکتوبات حدیثی مورد توجه اصحاب بوده است ولی به گسترده‌گی دوران امامی باقرین نبوده است. در این میان خطاهایی نیز در ضبط حدیث اتفاق افتاده است که ما را دچار تردید می‌کنند که آیا مجموع این احادیث که امروز به دست ما رسیده است از اعتبار کافی برخوردار می‌باشند یا نه؟ و به عبارتی آیا بالجمله از معصومین صادر شده اند یا اینکه باید گفت فی الجمله و نه همه آنها از ناحیه معصومین صادر شده اند. خطاهایی مانند ضعف روایت در ضبط روایات، عدم دقت در نگه داری اصول و از بین رفتن آنها در گذر زمان، عدم دقت در ضبط متن مکتوب احادیث و یا انگیزه متعمدانه ای مانند وضع حدیث ما را به این نکته رهنمون می‌سازد که راهی جز این نیست که احادیث را مورد اعتبار سنجی قرار دهیم تا این ظن برای ما حاصل شود که روایات در اختیار ما فی الجمله معتبر هستند. بررسی اعتبار روایات در نگاه کسانی که قائل به انفتاح باب علمی هستند در زمان غیبت معصوم اهمیت فراوانی دارد. ولی در دیدگاه کسانی که نگاه انسدادی دارند روایت مسیر کسب ظن است ولی نه در قالب توثیقات سندی بلکه آنچه از ائمه در قالب روایات رسیده است را از باب ظن حجت می‌دانند. البته کم اهمیت بودن اعتبار سنجی در دیدگاه طرفداران انسداد، حتماً به معنای این نیست که آنها هیچ ملاک اعتباری را معتبر نمی‌دانند، بلکه منظور این است که نسبت به انفتاحی‌ها خیلی زود تر به ملاکات ارائه شده اعتماد می‌کنند.

مفهوم شناسی

۱. حدیث: حدیث در لغت، ضد قدیم است و به مطلق کلام، کم یا زیاد نیز حدیث گفته میشود (عاشوری تلوکی، پژوهشی در علم الحدیث، ۱۳۷۷، ص ۸). کلمه حدیث مشتق از حدث یا حدوث به معنای وقوع و ظهور است. با توجه به این مطلب میتوان گفت حدیث مصادیق متعددی پیدا میکند که یکی از آن مصادیق سخن و کلام است. زیرا سخن عبارت از پدیده ایست که اجزای آن یکی پس از دیگری حادث شده و به ظهور میرسد. (معارف، تاریخ عمومی حدیث، ۱۳۸۷، ص ۳۱) و در علم الحدیث بر نوع خاصی از کلام اطلاق میشود که حکایت از قول یا فعل یا تقریر معصوم کند (همان، صفحه ۳۲)

۲. خبر: خبر در لغت به معنی هر آن چیزی است که نقل میشود و به واسطه آن حدیث میشود (وقوع و ظهور میابد) و عام تر از نباء و در مقابل انشاء است و در نظر محدثان دو معنا دارد:

الف: نظر غالب اینکه مرادف حدیث است.

ب: خبر، عام تر از حدیث است و خبر اعم از معصوم و غیر معصوم را در بر میگیرد (مؤدب، علم الدرایه تطبیقی، ۱۳۹۱، ص ۳۴). به عقیده شهید ثانی خبر و حدیث در علم الدرایه به معنای واحدی است و آن هر کلامی است که حکایت از قول یا فعل یا تقریر معصوم می‌کند (معارف، تاریخ عمومی حدیث، ۱۳۸۷، ص ۳۳)

اقسام خبر از نظر تعداد ناقلین

۱/۲. خبر متواتر: تواتر در لغت پشت سر هم آمدن به ترتیب را گویند و در اصطلاح می‌توان گفت خبر جمعی که از گمان در دروغ در امان باشند و عده مخبرین در هر طبقه به حدی برسند که عادات نیز تبانی بر کذب امکان نداشته باشد که تعمد نداشتن هم یا از کثرت مخبرین یا وثاقت آنها احراز میشود و یا اینکه موضوع خبر چیزی است که انگیزه ای برای

دروغ در او وجود ندارد (احمدوند، حدیث شناسی، ترجمه اصول الحدیث و احکامه فی الدرایه، آیت الله سبحانی، ۱۳۸۷، ص ۲۷ و ۲۸)

۲/۲ خبر واحد: از نظر محدثان شیعه، خبر واحد خبری است که به حد تواتر در تمام طبقات نرسیده و به تنهایی مفید علم نیست. به همین خاطر اگر خبری در چند طبقه به حد تواتر رسیده اما در طبقات دیگر یا حتی در یک طبقه به مرز تواتر نرسیده باشد، متواتر شمرده نمی‌شود، چون نتیجه تابع اخس مقدمتین است (مؤدب، علم الدرایه تطبیقی، ۱۳۹۱، ص ۵۱)

۲/۳ خبر مستفیض: خبر مستفیض از نظر تعداد ناقلین ذیل خبر واحد قرار می‌گیرد ولی از جهت اینکه در نظر فقها در استناد به آن توجه بیشتری میشود در این مقال به صورت جداگانه مورد بررسی قرار می‌گیرد. خبر مستفیض ب گونه های مختلفی تعریف شده است که به چند نمونه از آنها اشاره می‌کنیم:

۱. خبری که تعداد راویان در هر طبقه زیاد باشد.

۲. خبری است که تعداد راویان آن در هر طبقه بیش از سه نفر باشد ولی به حد تواتر

نرسد.

۳. خبری که تعداد راویان در هر طبقه بیش از دو نفر باشد (فقه، دانشنامه حوزی، حدیث مستفیض) ولی آنچه شهرت بیشتری دارد اینکه حدیث مستفیض حدیثی است که تعداد راویان آن در هر طبقه بیش از سه نفر باشد (مؤدب، علم الدرایه تطبیقی، ۱۳۹۱، صفحه ۵۲).

با تعریفی که از حدیث مستفیض شد این سوال به وجود می‌آید که حدیث مستفیض و مشهور چه نسبتی با هم دارند که در این مطلب اتفاق قول وجود ندارد. برخی خبر مستفیض و مشهور را مترادف دانسته و بسیاری آنها را مغایر می‌دانند (فقه، دانشنامه حوزوی، حدیث مستفیض) اما باید گفت رابطه میان حدیث مستفیض و مشهور از دو جنبه عموم خصوص من وجه و عموم خصوص مطلق قابل بررسی می‌باشد. در رابطه عموم خصوص من وجه میان

مستفیض و مشهور مطلب را اینگونه تقریر میکنیم که چه بسا راوی خبر در تمام یا بعضی از طبقات، یک نفر بیشتر نباشد و آن خبر مشهور باشد و چه بسا روایتی که راویان آن در تمام طبقات افزون بر دو نفر باشند و مشهور نباشد ولی مستفیض شمرده شود. همچنین ممکن است در روایتی، راویان آن در تمام طبقات بیشتر از دو نفر باشد و آن روایت مشهور نیز باشد که هم مشهور و هم مستفیض است. بنابراین یک مورد اجتماع و دو مورد افتراق دارد (همان). اما از دیدگاه دیگر رابطه آنها عموم خصوص مطلق است یعنی اینکه حدیث مشهور اعم از مستفیض میباشد، زیرا در حدیث مستفیض، استفاده راویان در تمام طبقات می‌باید حاصل باشد. برخلاف مشهور که ممکن است در برخی از طبقات آن نیز استفاضه کافی باشد (مودب، علم الدرایه تطبیقی، ۱۳۹۱، ص ۵۳) م‌ا هر رابطه‌ای میان خبر مستفیض و مشهور را قبول کنیم شهرت روایی عبارت است از خبری که میان اصحاب معروف است و به اصطلاح امروزی زبانزد است. ناگفته نماند ادله حجیت خبر واحد که از نظر داوری عقلی حجیت خبر به نحو علی الاطلاق در بر می‌گیرد، یعنی ادله حجیت خبر واحد ثقه؛ ولی از آنجا که فقها بحث از حجیت خبر واحد را به مناسبت اینکه بیشتر اخبار رسیده از جانب معصومان آحاد هستند مورد توجه قرار می‌دهند.

۳. روایت: کلمه روایت مصدر روا یروی در اصل به معنی حمل کردن یا چیزی که خود متعلق حمل قرار می‌گیرد، چنان که عرب می‌گوید (روی البعیر الماء) یعنی شتر آب را حمل کرد و در مفهوم ثانویه به سخن و کلام نیز اطلاق می‌گردد، چرا که سخن و کلام می‌تواند از طریق نقل شدن به دیگری انتقال یابد و در علم الحدیث به کلام معصوم نیز اطلاق می‌گردد (معارف، تاریخ عمومی حدیث، ۱۳۸۷، ص ۳۵)

۴. سند: هر حدیثی از دویخش سند و متن تشکیل شده است. واژه شناسان معانی گوناگونی برای سند بیان کرده‌اند: تکیه گاه، تپه، دامنه کوه و برآمدگی زمین در مقابل کوه یا صحرا، نوعی پیراهن و... (غلامعلی، سند شناسی، ۱۳۹۶ ص ۲۱) و در اصطلاح به سلسله راویان حدیث تا معصوم سند می‌گویند (همان ص ۲۱). در نگاه متقدمان حدیث به صحیح

ضعیف تقسیم می‌گردد. ولی در نگاه متأخران و پس از مکتب حله حدیث به صحیح حسن، موثق و ضعیف تقسیم می‌شود. یکی از ابهامات در مرزبندی دقیق میان این دو گروه است. اما اجمالاً اندیشمندان علم حدیث، شیخ طوسی و پیش از وی را پیشینیان و ابن ادریس و پس از وی را پسینیان قلمداد کرده اند (فلاح زاده، نگاه رجال مکتب حدیثی قم به حدیث صحیح و ضعیف، ۱۳۹۵، ص ۱۰۳)

لزوم پرداختن به سند و متن حدیث

بیان کردیم احادیث زیادی از معصومین به ما رسیده اند که همواره در معرض خطر بوده اند؛ زیرا این احادیث برخلاف قرآن کریم عموماً به صورت آحاد به ما رسیده است و در طول تاریخ فراز و نشیب های زیادی را طی کرده و در هر مرحله در معرض خطا و خطرات متعدد بوده است (مخبریان، تدوین حدیث نبوی با تاکید بر کتب اهل سنت، ۱۳۹۸، ص ۱۴۸)

بررسی اعتبار اخبار احاد، باب گسترده ای را در دانش اصول فقه و علم رجال باز کرد تا دانشمندان اصولی و رجالی به این موضوع مهم بپردازند. بحث از حجیت خبر واحد در اصول فقه درباره حجیت خبر واحد در احکام کلی شرعی است که از معصوم علیه السلام نقل شده است اما برخی از اصولیان به تناسب محور اصلی، بحث خبر واحد در موضوعات به طور کلی به خصوص اوصاف راویان را هم مطرح کرده اند (صرامی، مبانی حجیت آرای رجالی، ۱۳۹۱، صفحه ۱۷۸). پس وقتی بحث حجیت خبر واحد مطرح می شود اولاً و بالذات این مطلب مطرح می شود که آیا خبر واحد به نفسه حجیت دارد؟ یعنی اگر شخصی به ما خبر داد و در خبر خود منفرد بود، می توان جواز اعتماد و عمل به آن را از نظر شارع احراز نمود و آیا هر خبری به ما رسید حجت است؟ یا خبر خاصی حجت میباشد؟ یعنی خبری که از ثقه یا عادل به ما رسیده باشد. موافقان و مخالفان حجیت خبر واحد دلایلی برای اثبات نظر خود آورده اند.

از نظر متعارف، خبر واحد ثقہ یا عادل، یا تعبدا مورد اعتماد است و یا ممکن است ظن به ثبوت بیاورد و به هر حال تلقی به قبول می‌شود. اما دانشمندان اسلامی در این قضیه تردید داشته‌اند که آیا ظن، مورد اعتنای شارع می‌باشد یا نه؟ یعنی ما در دستگاه تکلیف آیا می‌توانیم به ظن اینکه این خبر از ناحیه شارع صادر گردیده است (حجیت در احکام) و یا اینکه فلان راوی در روایت کردنش معتبر می‌باشد (حجیت موضوعات) مورد قبول شارع قرار گرفته است یا نه؟

شیخ انصاری قولی را از ابن قبه می‌آورد که عدم امکان تعبد به خبر واحد را از نظر عقلی مطرح نموده. او می‌گوید ما در اینجا با دو محذور عقلی مواجه هستیم. اول اینکه جواز اخبار از سنت به خبر واحد تالی فاسدی دارد، زیرا مستلزم جواز اخبار از خداوند سبحان خواهد بود؛ یعنی اگر کسی در فروع خبر واحدی را نقل کرد و ما از او پذیرفتیم مستلزم این خواهد بود که اگر کسی اخبار از ناحیه الهی داشت، یعنی اینکه گفت من پیغمبر هستم و از جانب خدا احکامی را آوردم باید از او بپذیریم در حالی که به صورت پیش فرض می‌دانیم که باب نبوت بسته است و پیامبری نخواهد آمد و دیگری لزوم حلال شمردن حرام و حرام شمردن حلال است (محمدی خراسانی، شرح رسائل، ۱۳۸۶، ص ۱۶۶) با این توضیح روشن می‌شود که منع عقلی که مرحوم ابن قبه مطرح می‌کند یک منع عقلی کلامی است. به عبارتی اطراف استدلال وی با معتقدات کلامی همراه است. یعنی از یک سو معتقد است این منع عقلی سریان به منع شارع از عمل به خبر واحد می‌آورد مثل اینکه شارع بگوید اگر تو به خبر واحد در احکام و موضوعات عمل کردی و فروع را در احکام پذیرفتی و یا خبر یک راوی را صحه گذاشتی، اگر کسی از جانب من هم آمد و گفت من پیامبرم باید بپذیری در حالی که شارع چنین مقصودی ندارد ولی به واسطه وحدت مناط در هر دو مورد ما باید ملزم به پذیرش خبر واحد در اصول هم باشیم. پس شارع هم اساسا به خاطر تالی فاسدی که پذیرش حجیت خبر واحد دارد این را حجت نکرده است.

این نگاه کلامی ابن قبه، مباحث و بازخورد آن در اندیشه های افرادی مانند مفید و سید مرتضی باعث می شود دسته بزرگی از روایات شیعه از دسته اعتبار ساقط شود.

سید مرتضی معتقد بود که اجماع شیعه بر حجیت خبر واحد وجود دارد. شیخ طوسی هرچند در بحث حجیت خبر واحد کتاب خود العده به الذریعه استادش سید مرتضی اشاره نمی کند اما با رد ادعای ضمنی سید مرتضی مبنی بر اجماع شیعه بر عدم حجیت خبر واحد، تلاش می کند اجماع شیعه بر حجیت خبر واحد را ثابت کند. ناسازگاری آشکار این دو ادعای اجماع از دو عالم معاصر خصوصا با توجه با شاگردی شیخ نزد سید، خود زمینه ساز بحثهای بسیاری در میان اصولیان بعدی شیعه شد. بویژه آنکه عالمان بعدی برای استدلال بر قول خود در باب حجیت خبر واحد به اجماع سید یا شیخ استناد می کردند و از پاسخ دادن به این تهافت و جمع کردن میان دو نقل اجماع و یا اختیار نسبت صحیح تر در اجماع ناگزیر می شدند. (مددی، اجماع فقها در باب حجیت خبر واحد و دیدگاه متقابل سید مرتضی و شیخ طوسی، ۱۳۹۳، ص ۹۱) شیخ مفید نیز حجیت خبر واحد را در صورتی می پذیرد که قرینه ای در کنار آن باشد که منجر به علم و صدق مخبر آن شود و این نظریه را دیدگاه جمهور شیعه و بسیاری از معتزله می شمارد و از این رو اعتراض او بر شیخ صدوق و ابن جنید در اعتماد به اخبار احاد از این جهت بوده است که شیوه آنها شبیه اصحاب الحدیث بوده است (همان، ص ۹۵).

گزارشات تاریخی حکایت از این دارد که آن دسته از عالمان سده های نخستین که اخبار آحاد را حجت میدانستند معتقد بودند که باید از آن علم حاصل شود، هم در میان شیعیان و هم در میان اهل سنت طرف داران حجیت و عدم حجیت خبر واحد بر مبنای علم وعدم شرطیت علم به چشم میخورد

افرادی مانند مالک، شافعی، اصحاب ابو حنیفه، حسین ابن علی ترابسی، حارث محاسبی و اصحاب احمد ابن حنبل قائل به حجیت اخبار آحاد هستند و افرادی مانند ابو عقیل عمانی، جعفر ابن مبشر، ابن قبه، شیخ صدوق، ابوبکر ابن داوود و نیز جمهور متکلمان شیعه

از سده پنجم تا پایان سده هفتم، آن را حجت نمیدانستند (مصطفوی فرد، طباطبایی پور، تحلیل سیر تطور مکاتب حدیثی امامیه، ۱۴۰۰، ص ۱۲) پس بحث از حجیت خبر واحد در نگاه قدما دایر مدار علم آور بودن یا عدم علم بودن آن است یعنی اگر حجیت خبر واحد را هم می‌پذیرفتند و به ادله متعدد متنوعی برای مستند کردن رای خود متمسک می‌شدند از این باب است که خبر عادل را علم آور می‌دانند (همان ص ۱۲). این که چرا ادعای علم آور بودن خبر واحد مطرح می‌شود در پاسخ باید گفت به خاطر این بود که علمایی مانند صدوق و سید مرتضی در میان شیعیان با وجود فاصله تا زمان معصوم ادعای باب علم را داشتند (و نه باب علمی) در حالی که در زمان حضور ائمه نیز اکثر مردم و شاید کل آنها ادله یقینی برای تمام فروع نداشتند و ائمه مردم را به ظنونی چون خبر ثقه ارجاع میدادند و حجیت ظنون نیز در یک بستر انسدادی قابل فهم است. بنابراین انسداد باب علم و حجیت ظنون مختص عصر غیبت نیست، بلکه متوقف بر تحقق مقدمات انسداد است و سرآغاز افتتاح اجتهاد بر اساس ظنون محسوب میشود (محقق داماد، ولایی، مقاله نظریه انسداد در اندیشه معرفتی شیعه، ۱۴۰۱، ص ۹۷) در علل پی‌جویی این مسئله که چرا در میان متاخران توجه به اجتهاد و حجیت ظنون مطرح می‌شود باید گفت که بساطت در فقه و عدم پاسخگویی به نیازهای مختلف در فروع از سویی و اینکه شرط تواتر خودش یک نگاه سخت‌گیرانه بود و فقها روایات زیادی را از دست رفته میدیدند. اصول و مصنفات نیز از بین رفته بودند و فقط مجامع حدیثی آکنده از اخبار احاد به جا مانده بود به همین خاطر قراین صحت مانند مراجعه به این اصول و مصنفات از بین رفته بود و این‌ها همه زمینه‌های بساطت فقه می‌باشد (مصطفوی فرد و طباطبایی پور، ص ۱۷) از سویی ادعای اخباریان هم مبنی بر پذیرش کتب اربعه به صرف اینکه نویسندگان به دنبال روایات قطعی الصدور بودند نیز مورد پذیرش غیر اخباریها که عمدتاً اصولی مسلک بودند نیز نبود لذا بحث حجیت اخبار احاد و اعتبار سنجی آنها دوباره مورد لحاظ قرار گرفت. البته باید توجه داشت که نزاع میان اخباریها و اصولیها در قرن‌های متاخرتر و در حقیقت از قرن یازدهم به این طرف مطرح می‌گردد ولی ریشه‌های اعتبار سنجی

دوباره اخبار احاد به مکتب حله بر میگردد. حال سوال این است که آیا مکتب حله پایه گذار ظن بودن خبر واحد بود یا کماکان خبر واحد را مفید علم میدانست. برای توضیح مطلب ابتدا به نگاه های متاخرین توجه میکنیم تا مطلب برایمان روشن شود پس از شیخ انصاری کمتر کسی به خود تردید راه می دهد که خبر واحد ظن معتبر است یا نه؟ از نظر شیخ انصاری مکلف سه حالت روانی متفاوت برایش ایجاد میشود وی در ابتدای کتاب رسائل میگوید:

اعلم ان المكلف اذا التفت الى حکم شرعی فاما ان يحصل له الشک فيه او القطع او الظن (انصاری، فرائد الاصول، جزء اول، ۱۴۳۸، ص ۲۵) یعنی ایشان رسماً از ظن در تقسیم حالات مکلف نام می برد و حجیت خبر واحد را در بخش ظن بررسی می کند. عبارت ایشان در فرائد الاصول اینگونه است: و من جمله ظنون الخارجه بخصوص الاصلالت الحرمت العمل بغير العلم خبر الواحد - فی الجملة - عند المشهور بل کاد ان يكون اجماعاً (همان، ص ۲۳۷) ظاهراً شیخ انصاری در دوره ای به نگارش کتاب خود پرداخته که مسئله حجیت خبر واحد فی الجملة به عنوان یک ظن مورد پذیرش اصولیان بوده است اگرچه پذیرش بالجمله اخبار احاد، مورد پذیرش اصولیان از جمله شیخ انصاری نیست. چون اگر پذیرش بالجمله را قبول کنیم همان نظر اخباریها تامین میشود، چرا که اخبار احاد بنا بر نظر اخباریها بالجمله مورد پذیرش خواهد بود. نقطه افتراق این دو نظر در هان حالات روانی نمود و بروز میابد. در دوره ای که اخباری ها زندگی میکردند به خاطر آن فاصله زمانی قطعاً قرائن صحت وجود ندارد و این ادعا که آنچه در کتب اربعه میباشد مورد پذیرش بالجمله است، در حقیقت اعتماد به مشایخ ثلاث میباشد. قبل از شیخ انصاری، وحید بهبهانی به مسئله ظن توجه نموده بود. وی در فصل پنجم الرسائل الاصولیه به دفاع از حجیت اجتهاد پرداخته و ضمن برشمردن علوم مورد نیاز مجتهد، ادله اخباریان را تخطئه نموده است (مصطفوی فرد و عبادی، معیار پذیرش روایات در اندیشه وحید بهبهانی، نسخه پیش انتشار، نورمگز، بی تا، بدون صفحه). اساساً وی بود که مسئله ظن مجتهد را مطرح کرد؛ او معتقد است ظن حجت نیست مگر ظن مجتهد بعد از استفراغ وسع در تحصیل آنچه که قوی تر از آن است و به صواب نزدیک تر است و آنچه

نزد وی اظهار است همان حکم الله است (همان، نسخه پیش انتشار) البته وی ظن مجتهد را در بستر انسداد مطرح کرده است که فعلا وارد آن نمیشویم، ولی همین بستر برای تغییر پارادایم از علم محوری به سمت ظن محوری در حجیت اخبار احاد کفایت می‌کند. به همین خاطر شیخ انصاری خبر واحد را علم آور نمیداند، ولی آن را ظن اور فرض میکند. به همین خاطر هیچ‌گاه شیخ عمل به غیر علم را با فرض علم آور بودن خبر واحد جبران نمیکند، زیرا از نظر وی، حالات مکلف سه قسم است و وقتی فرد قاطع به حکم الله نیست، یا ظان است یا شاک است. البته باید توجه کنیم که وحید بهبهانی و شیخ انصاری و آخوند خراسانی و پس از ایشان متوجه بودند که بحث در مورد حالات مکلف است، به همین خاطر عبارت قطع مناسب تر از عبارت علم است. چرا که علم وابستگی روانی به عالم ندارد. چون علم در حقیقت عبارت است از ادراک مطابق با واقع در حالی که در قطع ممکن است ادراک مطابق با واقع وجود داشته باشد و ممکن است ادراک مطابق با واقع وجود نداشته باشد و جهل مرکب باشد. ولی در یک نکته مرحوم آخوند خراسانی به شیخ ایراد می‌گیرد و تقسیم سه گانه شیخ را نمی‌پذیرد. شیخ انصاری حالات روانی را به سه قسم قطع، ظن و شک تقسیم مینمود. ولی آخوند می‌گوید مکلف در مقام عمل یا قاطع است یا قاطع نیست یعنی فرد با حالت روانی ظن یا شک بنا را بر عمل قرار نمی‌دهد، بلکه واقعا با رجحان یک طرف به صورت قاطعانه به وظیفه خود عمل میکند. عبارت آخوند خراسانی اینگونه است: «فاعلم ان بالغ الذی وضع علیه القلم اذا التفت الی حکم فعلی واقعی او ظاهری متعلق به او بمقلدیه فلما ان يحصل له قطع به او لا» (آخوند خراسانی، کفایت الاصول، ۱۴۱۷، ص ۲۵۸) به نظر می‌رسد که نزاع مرحوم آخوند خراسانی و مرحوم شیخ انصاری به این صورت قابل حل است که شیخ به این مسئله نگاه معرفتی (علمی) دارد ولی مرحوم آخوند نگاه عملی دارد. واقعا در مقام عمل فرد قاطعانه به حکم عمل میکند، چه در ظرف ظن باشد چه در ظرف شک. ولی به هر حال آخوند خراسانی ظن را به عنوان ظن می‌پذیرد. وی در مقصد ششم می‌گوید که: «المقصد السادس فی بیان الامارات المعبره شرعا او عقلا»؛ یعنی نگاه اماره محور بودن در اندیشه آخوند که در ذیل آن مباحث مربوط

به قطع و مباحث مربوط به ظن را مطرح نموده و در بخشی از مباحث مربوط به ظن فصلی را به مباحث حجیت خبر واحد اختصاص میدهد و نظر مشهور را این گونه بیان می کند که: "المشهور بین الاصحاح حجیت خبر الواحد فی الجمله بالخصوص (آخوند خراسانی، کفایه الاصول، تعلیقه زارعی سبزواری، ۱۴۲۹، جلد ۲، ص ۳۱۰) با این توضیح باید بگویم که با ظهور مکتب حله که قرن ها قبل از مکتب اصولیانی مانند وحید بهبهانی، شیخ انصاری، آخوند خراسانی و اصولی های پس از ایشان میباشد، نگاه علم آور بودن بر این مکتب فکری در مورد حجیت خبر واحد کماکان حاکم بوده است و نگاهی به ظن خاص بودن خبر واحد نیست (مصطفوی فرد و طباطبایی پور، ص ۱۸).

نتیجه گیری

با توضیحات گفته شده به این نکته رهنمون میشویم که دیدگاه متاخرین در اعتبار سنجی روایات دارای تطورات گوناگون میباشد به گونه ای که به مرور زمان اندیشه توثیق صدورری جای خود را به توثیق سندی میدهد ولی در دوره ای دیگر با ظهور اخباریان قوی که با ظهور محمد امین استر آبادی و اعتقاد به عدم حجیت ظواهر قرآن و مخالفت با اجماع و نگاه افراطانه به حجیت اخبار و تنها منع معتبر را برای استنباط احکام فقهی در احادیث دیدن، هر دو رویکرد توثیق صدورری و توثیق سندی تحت تاثیر قرار می گیرد، ولی در میان اخباریان نیز دیدگاه واحدی وجود ندارد؛ چرا که فردی مانند محمد امین استر آبادی، عبدالله ابن صالح سماهیجی و میرزا محمد اخباری از اخباریون تند رو و شیخ یوسف بحرانی، سید نعمت الله جزایری، ملا محسن فیض کاشانی، محمد تقی مجلسی، محمد طاهر قمی و شیخ حر عاملی از میان روان این مسلک اند، مضافا به اینکه ما امروزه کتاب های فیض کاشانی و محمد تقی مجلسی و شیخ حر عاملی را در حدیث مورد توجه قرار میدهیم و نظرات شیخ یوسف بحرانی را در کتاب الحدائق الناضره که توجه ویژه ای به روایات دارد ما این کتاب را معتبر دانسته با این فراز و نشیب ها افرادی مانند شهید اول و شهید ثانی و فرزند شهید ثانی

که متأثر از مکتب حله هستند، اگر چه طرفدار توثیق صدورى اند، ولى اینگونه نیست که به دنبال توثیق لفظی تک تک افراد در سلسله سند باشند و به صرف اینکه یک فرد دارای عقیده صحیح نبود، سندش را کنار بگذارند مثلاً شهید ثانی در مسالک الافهام در حلیت غراب و عدم آن می‌گوید: و فی طریق الروایه، ابان و هو مشترک بین جماعه، منهم ابان ابن عثمان والظاهر انه کان ناووسیا کان الاصابه اجمعت علی تصحیح ما یصح منه و هذه مما یصح سنده (شهید ثانی، مسالک الافهام، ۱۴۱۳، جلد ۱۲، صفحه ۳۹) بنا بر این گزارش به مذهب ناووسی است. البته در اینکه این اصابت‌ها به اصحاب و خصوص این صحابی صحیح است یا نه و اساساً فرقه‌ای به نام ناووسی وجود دارد یا نه در این مقال بحث نمی‌کنیم. ولی مهم این است که شهید ثانی با اینکه از طرفداران سرسخت توثیق سندی است، ولی اصحاب اجماع بودن را در پذیرش رأی وی کافی می‌داند، در حالی که در نگاه نخست اینگونه به ذهن می‌رسد که کسی که طرفدار توثیق سندی است همیشه باید دنبال توثیق خاص لفظی باشد. این آمیختگی مکتبی به گونه‌ای که افتتاح باب علم یا افتتاح علمی بودن و یا انسدادی بودن حدیث پژوهان برای ما کاملاً روشن نیست را می‌توان در این نکته دید که دانشمندان حوزه حدیث و فقه به این مطلب واقف بودند که حدیث گنجینه‌ای عظیم است که می‌تواند یکی از راه‌های مهم برای فهم ما از وظایف عملی باشد که بر عهده مکلفین قرار گرفته است. البته یک پیچیدگی در فهم ذهنیت قدما و متأخرین از اعتبار سنجان حدیث وجود دارد و آن این مطلب است که به سختی می‌توان تشخیص داد که اعتماد به اسناد ایا اعتماد کتبی بوده است یا اعتماد شفاهی. به عبارتی ایا برای بررسی طریق یا سند ملاکات رجالی اهمیت دارد یا ملاکات فهرستی. برای نمونه در کتاب وسایل الدرجات سلسله سند یک حدیث را بازخوانی می‌کنیم:

حدثنا ابو جعفر احمد ابن محمد عن علی ابن الحکم عن مفضل ابن صالح عن جابر

عن ابی جعفر علیه السلام (محمد بن حسن صفار، بصائر الدرجات، ۱۳۸۱، ص ۱۵۵)

این نگاه سند محور در مجامع حدیثی متاخرین نیز مورد توجه قرار می‌گیرد، چنان که صاحب وسائل در خاتمه کتابش به بحث اثبات اسانید اشاره می‌کند وی می‌گوید: "حیث اثبات مع المتون الاسانید کامله فیسر للمراجع امر نقدها و تمیزها فی نفس وقت الذی یعالج المتون" یعنی سلسله سند را بیان کردیم تا بتوان متون را به وسیله سند صحت سنجی کرد (شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ۱۴۰۹، جلد ۳۰، صفحه ۹)

بنابراین:

۱. اعتبار خبر واحد فی الجملة مورد پذیرش می‌باشد.
۲. پارادایم واحدی برای تقسیم بندی دیدگاه متاخرین و متقدمین وجود ندارد و یک حالت توثیق صدوری و توثیق سندی آمیخته به همدیگر در ادوار مختلف امر حدیث پژوهی ملاحظه می‌گردد
۳. مبارزه با منابع و جاده ای در میان قدمای اصحاب می‌تواند نشانی از توجه به توثیق سندی باشد
۴. منابع معتبر حدیثی متاخرین مانند وسائل الشیعه، توجه به امر سند را امری لازم می‌داند که از آن می‌شود به آمیختگی مسئله توثیق الصدوری و توثیق السندی در میان اخباریان معتدل مانند صاحب وسائل پی برد
۵. با تلاش های صورت گرفته از دوران معصومین تا امروز می‌توان گفت حجم عظیمی از روایات با مبانی اعتبار سنجی قابل اعتماد می‌باشند.

فهرست منابع

۱. احمدوند، محسن، (حدیث شناسی، ترجمه اصول الحدیث و احکامه فی الدرایه)، آیت الله سبحانی، چاپ اول، صحیفه خرد، قم، ۱۳۸۷.
۲. صرامی، سیف الله، مبانی حجیت آرای رجالی، چاپ چهارم، دارالحدیث، قم، ۱۳۹۱، نرم افزار رجال
۳. عاشوری تلوکی، نادعلی (پژوهشی در علم الحدیث)، چاپ اول، انتشارات گویا، تهران، ۱۳۷۷
۴. غلامعلی، مهدی (سند شناسی)، چاپ اول، چاپ و نشر بین الملل، قم، ۱۳۹۶
۵. فقه، دانشنامه حوزی، حدیث مستفیض، (۱/۱۲/۱۴۰۲).
۶. فلاح زاده، مرتضی، (نگاه رجال مکتب حدیثی قم به حدیث صحیح وضعیف)، نشریه مشکاه، سال ۳۵، شماره ۱۳۱، ۱۳۹۵.
۷. مؤدب، سید رضا (علم الدرایه تطبیقی)، چاپ دوم، المصطفی، قم، ۱۳۹۱.
۸. محقق داماد، سیدمصطفی و ولایی، علی، (نظریه انسداد در اندیشه معرفتی شیعه)، مجله تحقیقات حقوقی، دوره ۲۵، شماره ۹۷، ۱۴۰۱.
۹. محمدی خراسانی، علی، شرح رسائل، جلد اول، چاپ هفتم، دارالفکر، ۱۳۸۶، نسخه نور.
۱۰. مخبریان، محمدحسین (تدوین حدیث نبوی با تاکید بر کتب اهل سنت)، مجله پژوهش‌های رجالی، سال دوم، شماره ۲، ۱۳۹۸
۱۱. مددی، سید علی رضا، (اجماع فقها در باب حجیت خبر واحد و دیدگاه متقابل سید مرتضی و شیخ طوسی)، مجله پژوهش‌های اصولی، سال ششم، شماره ۲۲، ۱۳۹۳.
۱۲. مصطفوی فرد، حامد و طباطبایی پور، سید کاظم (تحلیل سیر تطور مکاتب حدیثی امامیه)، نشریه اندیشه نوین، سال هفدهم، شماره ۶۵، ۱۴۰۰.

۱۳. مصطفوی فرد، حامد و عبادی، مهدی، معیار پذیرش روایات در اندیشه وحید بهبهانی، نسخه پیش انتشار، نور مگز.
۱۴. معارف، مجید (تاریخ عمومی حدیث)، چاپ نهم انتشارات کویر، تهران، ۱۳۸۷
۱۵. آخوند خراسانی، محمد کاظم، کفایه الاصول، چاپ اول، موسسه آل البیت، قم، ۱۴۱۷، نرم افزار اصول.
۱۶. آخوند خراسانی، محمد کاظم، کفایه الاصول، تعلیقه زارعی سبزواری، جلد ۲، چاپ ششم، نشر اسلامی، قم، نرم افزار اصول، ۱۴۲۹، نرم افزار اصول.
۱۷. انصاری، مرتضی، فرائد الاصول، چاپ گل وردی، قم، جزء اول، ۱۴۳۸.
۱۸. شهید ثانی، زین الدین، مسالک الافهام جلد ۱۲، چاپ اول، موسسه معارف اسلامی، قم، ۱۴۱۳، نرم افزار فقه.
۱۹. صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات، المكتبه الحیدریه، ۱۳۸۱، جلد کلی نسخه قائمیه، ۱۳۸۱.
۲۰. عاملی، شیخ حر، وسائل الشیعه، جلد ۳۰، چاپ اول، موسسه معارف اسلامی، قم، ۱۴۰۹، نرم افزار فقه اهل بیت، مرکز نور.